

**بررسی عوامل فرهنگی-اجتماعی موثر بر هویت اجتماعی جوانان**  
(مطالعه موردی شهر هشتگرد)

دکتر غلامعباس توسلی<sup>۱</sup>، مهدی اصل زعیم<sup>۲</sup>

**چکیده**

هدف از مطالعه حاضر بررسی عوامل موثر بر هویت اجتماعی جوانان در سه بعد هویت ملی، دینی و خانوادگی بوده که برای انجام آن از روش پیمایش و جهت جمع آوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه در جمعیت نمونه ۳۷۶ نفری جامعه آماری جوانان ۱۵-۲۹ سال هشتگرد بهره‌گیری شده است.

متغیرهای تحقیق علاوه بر هویت ملی، دینی و خانوادگی بر اساس مدل استخراجی از آرای گیدنز، متشکل از رضایت از خود، اعتماد به نفس، اعتماد بنیادین، توانایی عقلانی کردن امور، گستره شبکه ارتباطی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی می‌باشند.

در تحلیل اطلاعات از روشهای آماری توصیفی و استنباطی بهره‌گیری شده و پس از پردازش، نتایج بدست آمده حاکی از این است که بیشترین همبستگی را متغیرهای رضایت از خود، اعتماد به نفس، توانایی عقلانی کردن امور و هویت اجتماعی در ابعاد مورد بررسی ملی، دینی و خانوادگی با یکدیگر داشته‌اند و نیز ۷۳٪ از جوانان دارای هویت ملی در حد بالا، ۷۱٪ دارای هویت دینی در حد بالا و ۸۵٪ دارای هویت خانوادگی در حد بالا می‌باشند و هویت ملی با ضریب همبستگی ۰/۴۲۲ با هویت دینی همبسته است و با ضریب ۰/۳۱۴ با هویت خانوادگی همبستگی دارد و هویت دینی با ضریب ۰/۲۸۹ با هویت خانوادگی همبسته می‌باشد لذا یافته‌های تحقیق بیانگر این مهم است که نمی‌توان هویت اجتماعی را به یکی از ابعاد آن فروکاست و ابعاد مختلف آن بطور معناداری با یکدیگر همبسته می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** هویت اجتماعی، رضایت از خود، اعتماد، اطمینان، شبکه ارتباطی، عقلانیت، جوانان

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۰/۳

۱- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲- دانش‌آموخته کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

## مقدمه

سؤال اساسی من کیستم؟ چگونگی پیوستگی «من» به دیگران و وجوه تمایز «من» با سایرین همواره از جمله دل‌مشغولی‌های انسان بوده و هست و دردنیای پرتلاطم مدرن که میتوان اذعان کرد از همبستگی‌های مکانیکی دورکیم چندان خبری نیست، انسان، بویژه جوانان با یک دنیای ارگانیک، سیال و پویا مواجه می‌باشند ایفای نقش فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... در سطح ملی و بین‌المللی وابسته به شناخت ویژگی‌های «من» آن‌گونه که بتوان به آن اتکا و خود را با آن معنا کرد، می‌باشد و این مهم محقق نمی‌گردد مگر در تحقق فرآیند «هویت‌یابی» اشخاص.

انسان همواره در تلاش برای ساختن هویتی است که بر مبنای داشته‌ها و سرمایه‌های او رقم می‌خورد تا پایگاه و قرارگاهی باشد که او با اطمینان بتواند بر آن بایستد و از امواج سهمگین که همواره او را در کوران سرگشتگی قرار میداده و امروزه با توجه به شرایط محیطی از جمله انقلاب تکنولوژی اطلاعات و فرآیند جهانی شدن تزیاید یافته نجات دهد

به تعبیری "هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است و یا به بیان ساده‌تر «هویت» سازمان‌دهنده معنا است و معنا به منزله یکی شدن نمادین کنشگر اجتماعی با مقصود و هدف کنش وی تعریف میگردد" (کاستلز، ۱۳۸۵، ص ۲۴-۲۲).

انسان به مثابه کنشگر اجتماعی در مسیر برساختن هویت برای خویشتن همواره از نهادهای اجتماعی همچون دین، خانواده، دولت و ... بهره می‌جوید لیکن در این برساختن هویت، انسان بعنوان کنشگر عامل و جامعه بعنوان یک «کل» در یک دیالکتیک مستمر می‌باشند همانگونه که گیدنز «خود» را مفهومی منفعل در برابر ساختار اجتماعی نمی‌داند که صرفاً تحت تأثیرات بیرونی شکل می‌گیرد و در نظریه ساختار بندی بر یک مسیر رفت برگشتی بین ساختار اجتماعی و کنشگر عامل تاکید می‌ورزد.

**ریچاد جنکینز تعریفی بسیار روشن از هویت اجتماعی دارد:**

«هویت اجتماعی به شیوه‌هایی که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند اشاره دارد. شباهت و تفاوت با هم اصول پویای هویت و کنه زندگی اجتماعی هستند... هویت اجتماعی یک بازی است که در آن رو در رو بازی می‌شود هویت اجتماعی، درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن

طرف درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست، از اینرو، هویت اجتماعی نیز همانند معنا ذاتی نیست؛ و محصول توافق و عدم توافق است و می توان در مورد آن به چون و چرا پرداخت، بدون وجود چارچوبی برای مشخص ساختن هویت اجتماعی و هویت های فردی من همان بودم که شما هستید و هیچیک از ما قادر نمی بود با دیگری نسبت معنا داری یا سازگاری برقرار کند. در واقع بدون هویت اجتماعی، جامعه ای در کار نیست (جنکینز، ۱۳۸۱، ص ۹-۷).

از نظر استنز و برک [۱] «هویت های گروهی، نقش و فرد منابع مختلف معنایی را برای فرد فراهم می کنند که این هویت های مختلف احتمال همپوشانی نیز دارند، ممکن است بعضی اوقات موجب قوام یکدیگر شوند و در بعضی مواقع خود را بردیگری تحمیل کنند (Stets & Burke, 1998, P36).

و اما در ضرورت پرداختن به موضوع هویت اجتماعی در جامعه جوانان می توان بیان داشت که ایران کشوری با جمعیت بالغ بر هفتاد میلیون نفر است که اکثریت آن را سنین زیر ۳۰ سال تشکیل داده و به لحاظ جمعیتی کشوری جوان است اگر امروزه دل در گرو توسعه پایدار ایران داریم راهی فرا روی مشتاقان نیست جز محور قرار دادن انسان و نگاه هدفمند به انسان بعنوان هم هدف توسعه و هم ابزار توسعه و از سویی جوانان کشور در دنیای پر سرعتی قرار گرفته اند که لحظه به لحظه در حال دگرگونی و گذر است و دنیای جدید با تغییراتی شکل گرفته که آن را بصورت ماهوی از دنیای قدیم جدا کرده و روابط ساختاری جامعه را نیز دستخوش تغییرات نموده و آنچه برای ما از دید جامعه شناختی حائز اهمیت است نتایجی است که مدرنیته در جامعه ایجاد کرده و اما آنچه قابل یادآوری است اینکه ایرانیان همچنان در چالش با تغییرات موج مدرنیته سردرگم مانده اند و بیشتر نظاره گراند تا عنصری فعال در عرصه های نقش آفرینی و سازندگی و تا زمانیکه ایرانیان در بهت و حیرت به سر برده یا مقابل تغییرات فرهنگی - اجتماعی دنیای جدید تماما توهم توطئه داشته باشند و دست بیگانه را در کار ببینند نمی توانند در راستای فرآیند هویت سازی خویش که نقش اساسی در بازیگری در دنیای نو دارد اقدامی جدی را سامان دهند و ناگزیر عکس العملی نخواهند داشت.

علیرغم نقشی که فرآیند هویت سازی و شکل گیری هویت اجتماعی در تعاملات فردی و اجتماعی افراد و جوامع داشته و دارد گویانهادهای اجتماعی نتوانسته اند آنگونه که باید در پروسه اجتماعی کردن افراد ارزشها و هنجارها را نهادینه کنند تا پاسخگوی نیازهای نسل جوان امروز

باشد تا بتوانند از این رهگذرخود را فردی منفعل و برگ‌دار در مسیر طوفان حس نکنند بلکه خود را عنصری موثر در تغییرات و دگرگونی‌های دنیای جدید بدانند و در این عرصه گونه‌گون به نقش‌آفرینی فعال مبادرت ورزند.

### مبانی نظری پژوهش

در مبانی نظری هویت اجتماعی می‌توان مروری بر نظرات برخی جامعه‌شناسان مکاتب ساختی - کارکردی، تضاد و کنش متقابل داشت، با توجه به این مهم که عموم جامعه‌شناسان برسازه‌وار بودن هویت اجتماعی باور دارند لیکن اختلاف آنها در این نکته است که عده‌ای جامعه‌را عامل ایجاد هویت اجتماعی و محصول سلطه جامعه بر فرد می‌دانند چه به شکل اثباتی و چه به صورت سلبی، و گروهی دیگر چنین شان مطلق‌ی را برای جامعه قائل نبوده و هویت اجتماعی را محصول تعامل بین کنشگر و جامعه می‌دانند.

در این میان برخی صاحب‌نظران بطور مستقیم در حوزه هویت اجتماعی نظریه پردازی کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان تاجفل و گیدنز را نام برد، «بسیاری از تئوری‌های هویت اجتماعی با ارتباطات درون‌گروهی سروکار دارند به گونه‌ای که خود را به عنوان عضو یک گروه یا طبقه در مقایسه سایرین بیرون‌گروه مشاهده می‌کنند» (Ibid,6). از آنجاکه هویت اجتماعی شکل واحدی نداشته و قابلیت تغییر دارد و به فراخور منابع استفاده شده در ساختن هویت شکل می‌گیرد لذا «در نظریه هویت اجتماعی نیز هویت‌ها بصورت نسبی در نظر گرفته می‌شوند زیرا هویت‌ها در یک سلسله مراتب، سازمان داده می‌شوند که می‌توان آن را به سه رده بالا دستی، میانی و فرودست تقسیم کرد» (Ibid,24). بعنوان مثال یک فرد در وهله اول «انسان» است و پس از آن می‌تواند «ایرانی» باشد و در وهله بعدی «تهرانی».

در خصوص سازه‌وار بودن هویت اجتماعی «تونی یو» [۲] و همکارش در بررسی هویت ملی بعنوان هویتی اجتماعی به این مهم تاکید دارند که «هویت ملی محصول ساخته شده ذهنی صاحبان آن است که طی فرآیند اجتماعی شدن شکل گرفته است، آنها بر این باور می‌باشند که هویت ملی یک سازه اجتماعی است، باز تولید می‌شود، بازسازی می‌شود و تخریب می‌گردد و یک ملت به مثابه یک هویت همواره در حال تغییر دگر دیسی است» (Tonyyu & Man kwan; 2008, pp34-36). دورکیم از جمله جامعه‌شناسان مکتب کارکردگرایی است که کاملاً بر جبر اجتماعی و سلطه نهادهای

اجتماعی بر فرد باور داشته و بر این عقیده است که "انسانها تنها در بعد اجتماعی صورت انسانی به خود می گیرند و از طریق جامعه به معنای کامل، انسان می شوند" (کوزر، ۱۳۷۸، ص ۱۹۸).

تالکوت پارسونز معتقد است که "در یک فراگرد اجتماعی شدن موفق هنجارها و ارزشها ملکه ذهن کنشگران می شوند یعنی به صورت بخشی از وجود کنشگران یا وجدان آنها درمی آیند، پارسونز در جامعه چهار خرده نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را به ترتیب با کارکردهای تطبیق با محیط، دستیابی به هدف، نگهداشت الگوها و هنجارها و یکپارچه سازی معرفی مینماید و نهایتاً خود را یک جبرگرای فرهنگی معرفی می نماید" (ریترز، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶).

پارسونز با مروری بر نظرات فروید، در خصوص سه نظام شخصیت ارایه شده از سوی فروید، بعد چهارم هویت را به آن اضافه می نماید که کنشگر عامل با درونی کردن نمادها، ارزشها و ایدئولوژیهایی که نظام فرهنگی جامعه عرضه می کند به کنش خود جهت می دهد که هم برای خودش و هم برای دیگران معنادار است و به موجب نظریه عمومی کنش پارسونز، نظام فرعی هویت اساس پایدار شخصیت رامی سازد" (روشه، ۱۳۷۹، ص ۵۹).

واما هنری تاجفل صاحب نظر دیگری است که در سال ۱۹۷۱ نظریه هویت اجتماعی خود را بر اساس عضویت گروهی بیان کرده نظر او "هویت اجتماعی از افرادی تشکیل شده است که با هم بر اساس پایگاه و قدرتشان رابطه دارند و ساختار این ارتباط گروهی در شکل بندی هویت دارای اهمیت است" (دلفانی، ۱۳۸۴، ص ۵۲). تاجفل بر اساس شباهتها و تفاوتهای گروهی افراد مبنای شکل گیری هویت اجتماعی را استوار می کند از نظر تاجفل و همکارانش "هویت اجتماعی تعریف مشخصی از خود است بر اساس برخی از عضویتهای گروهی اجتماعی و با ملاحظاتی ارزش و احساس مقارن آن است (برای مثال تعریف خود عنوان ما ایرانی ها)" (دوران و محسنی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸). لذا آنچه مستفاد می گردد اینکه تاجفل نیز نهایتاً گروه را در تعریف معنا سازی فرد از خود ارجح می داند چرا که فرد خود را به توسط گروه متعلق به آن تعریف می کند و نمی تواند به صورت انفرادی تعریفی روشن از خود ارایه دهد.

«به نظر تاجفل هویت اجتماعی یک بخش از "خود تعریف" فرد است که از آگاهی او به یک گروه اجتماعی سرچشمه می گیرد به باور تاجفل هویت اجتماعی ثابت نبوده بلکه وابسته به مشارکت درون گروهی تغییر می یابد. تئوری هویت اجتماعی تاجفل در شکل گیری هویت درون

گروهی چهار فرآیند را برمی‌شمرد که عبارتند از: طبقه‌بندی اجتماعی، آگاهی از هویت اجتماعی، مقایسه اجتماعی و تمایز اجتماعی.

در مجموع تئوری هویت اجتماعی، ارتباطات درون گروهی را بعنوان کلید شکل‌گیری هویت می‌شناسد» (Fukai; 2001, PP1-2). «آموزه اساسی این تئوری این است که هویت، ناشی از شناخت و آگاهی از اجزای شکل دهنده «خود» از طریق عضویت گروهی می‌باشد و هنجارهای حاکم بر گروه مرجع رفتار کسانی را که قویا خود را با عضویت در آن گروه تعریف می‌کنند تعیین می‌کند ولی اگر عضویت گروهی ضعیف باشد هنجارهای گروهی تأثیری بر رفتار عضو گروه نخواهد داشت» (Reed & Others 2007, P274).

جامعه‌شناسان مکتب تضاد نیز همانند کارکردگرایان به جبر اجتماعی اعتقاد داشته‌اند لیکن آنها منطقی اثباتی در این موضوع دارند و این گروه دیدگاهی سلبی را برگزیده‌اند و عموماً سعی در نقد سلطه اجتماعی بر افراد دارند ولی انسان را از انقیاد ساختارهای اجتماعی رها نمی‌دانند.

مارکس به عنوان یک جبرگرای اقتصادی، اقتصاد را زیربنای حوزه‌های دیگر زندگی اجتماعی از جمله فرهنگ، هنر، سیاست و... می‌داند و بیان می‌کند که «توسعه زندگی اجتماعی، سیاسی و فکری زیر سلطه شیوه تولید زندگی مادی قرارداد، آگاهی آدمیان نیست که تعیین‌کننده هستی آنهاست برعکس این هستی اجتماعی آدمیان است که آگاهی آنان را تعیین می‌کند» (آرون، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱). از نظر مارکس انسان بدون وابستگی به نظام تولید مادی نمی‌تواند به معنا سازی خود دست یابد و هویت به مثابه «خود تعریف» اصلی در هستی انسان از آگاهی او سرچشمه می‌گیرد و این آگاهی نیز با نظام اقتصادی همواره همبسته است.

لویی آلتوسر از دیگر صاحب نظران مارکسیسم است که می‌توان گفت در نقطه نظرات خود، آن جبر بلا منازعه و مطلق نظام اقتصادی مارکس را تعدیل کرده، آلتوسر با طرح و بیان ماشین تناثر عروسکی تأثیر ساختارهای اجتماعی به ویژه ساختار اقتصادی را اینگونه بیان می‌کند که «نخ‌های عروسک‌های خیمه شب بازی از سطح اقتصادی یا شیوه تولید سرچشمه می‌گیرند، آنها از خلال دولت و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت می‌گذرند و سرانجام از طریق حس خیالی آزاد بودن، انتخاب کردن و عمل کردن، عروسک‌ها را حرکت درمی‌آورند» (کرایب، ۱۳۸۵، ص ۲۱۹). با چنین توصیفی واضح است که فرد انسانی گرچه تحت سلطه نظام اقتصادی نیست لیکن به

طورمطلق تحت انقیاد نظامهای اجتماعی متکثردر جامعه است و هیچگونه اختیاری از خود ندارد و آنجاکه حتی دست به انتخاب می زند و راهی برمی گزیند، آزادی و اختیار واژه ای موهوم است که در محیط واقعی موجودیتی عینی ندارد و نهایتاً انسان آنگونه انسانی می شود که خواست نهادهای اجتماعی جامعه می باشد.

در برابر صاحب نظران کارکردگرا و مارکسیست، اندیشمندان مکتب کنش متقابل بر جبرمطلق اجتماعی باور نداشته و رابطه فرد و جامعه را فراگردی پویا و دارای دیالکتیکی دائمی می دانند که هیچیک بر دیگری ارجحیت ندارد بلکه رفتار انسانها و شکل گیری شخصیت و به تعبیری هویت اجتماعی اشخاص محصول تعامل فرد و جامعه پیرامونی خویش می باشد «به طور کلی دیدگاه کنش متقابل، بر پویایی کنش متقابل اجتماعی بین فرد و جامعه و نتایج این فرآیند تاکید دارد» (توسلی ۱۳۷۹، ص ۲۶۸).

از جمله اندیشمندان صاحب نفوذ در این مکتب میتوان از هربرت میدنام برد، در بررسی آرای میدسه مفهوم اساسی «ذهن»، «خود» و «جامعه» را شاهدیم که در واقع پایه اصلی نظریات اوامی سازند، از نظر مید «خود و ذهن هر دو حاصل مشارکت در زندگی گروهی بوده و تکوین «خود» جز از طریق فرآیند کنش متقابل ممکن نیست لذا درک ماهیت «خود» مستلزم تحلیل درک فرآیند کنش متقابل اجتماعی است» (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۷). اروینگ گافمن دیگر اندیشمندی است که به مکتب کنش متقابل تعلق داشته و می توان او را و امدا و میراث دار مید دانست چرا که گافمن با طرح رهیافت نمایش و اجرای نقش از سوی افراد، «خود» را در تملک کنشگر نمی داند بلکه آن را محصولی از کنش متقابل نمایشی میان صاحب نقش و حضارش می انگارد. با طرح رهیافت نمایشی گافمن، کنشگر همواره باید توانایی ارتباطی مؤثر با حضار که همان جامعه پیرامونی خویش است را در خود ایجاد نماید، آنچه رفتار کند که هنجارهای جامعه به او اجازه می دهند و آنچه نباشد که جامعه از او توقع دارد و از سویی تلاش کند تا همانگونه که خود، خود را پذیرفته، دیگران نیز او را به همان قوت پذیرا باشند لذا همواره سری در خود دارد و سری دیگر در جامعه و به تعبیری در نظر گافمن «خود» کاملاً در درون تعاملات ترسیم می شود. و اما سومین جامعه شناس متعلق به این مکتب، آنتونی گیدنز است که مدل نظری این پژوهش نیز بر مبنای نظریات او شکل گرفته لذا در بخش مدل نظری تحقیق به ارایه نظریات ایشان به صورت مبسوط تری اشاره خواهد شد.

### مدل نظری پژوهش

مدل و چهارچوب نظری تحقیق مبتنی بر آرای آنتونی گیدنز می باشد که به شرح آن پرداخته می شود:

گیدنز تلاشهای وافر را در تلفیق جامعه‌شناسی خرد و کلان به ویژه در صورت بندی نظریه ساختار بندی خود به انجام رسانده، گیدنز بر بازنمایی بودن فعالیتهای انسانی تاکید داشته و بر این باور است که "این فعالیتهای حاصلی راجعه دارند، فعالیتهای انسانی تنها به وسیله کنشگران اجتماعی پدید نمی آیند بلکه از طریق همان راههای که کنشگران برای ابراز وجودشان در پیش می گیرند، پیوسته باز ایجاد می شوند، عاملان اجتماعی از طریق فعالیت شان شرایطی ایجاد می کنند که این فعالیتها را امکان پذیر می سازد" (ریترز، ۱۳۸۲، ص ۶۰۱). از نظر گیدنز کنشگر عامل و ساختار اجتماعی دوروی یک سکه هستند که پیوسته بایکدیگر ارتباط داشته و قابلیت انفکاک راندارند، تحلیل کنش فردی بدون بسترهای اجتماعی و ساختارهای موجود آن امکان پذیر نیست و بالعکس. به نوعی «جامعه از طریق کنش انسانی تولید و باز تولید می شود» (کرایب، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲). گیدنز نه تجربه کنش فردی را و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی را اصل می انگارد بلکه "به کردار اجتماعی سامان یافته در زمان و مکان قائل است" (همان، ۱۴۵) در نظرات گیدنز کنشگر عامل و یا ساختار اجتماعی، هیچیک در تعیین رفتار افراد مسوط الید نیستند، گیدنز تا آنجا پیش می رود که "بین خردترین سطوح جامعه (تصور شخصی از خود و هویت) و سطوح کلان (دولت و جهانی شدن) ارتباط می بیند و معتقد است که نمی توان آنها را به طور جداگانه فهمید" (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۲۳).

آرای گیدنز در خصوص «هویت» را نمی توان بدون مطالعه مدرنیته و تاثیر آن بر اندیشه او دریافت گیدنز تجدد را به عنوان نوعی نهاد اجتماعی که باید آن را درک کرد می شناسد و بیان می دارد که "تغییرات حاصل از نهادهای امروزی به طور مستقیم بازندگی فردی و بنابراین با «خود» ما در هم می آمیزد" (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۱۵). لذا با این رویکرد مفهومی کلان با عنوان مدرنیته کاملاً بر معنای «خود» تاثیر داشته و «خود» به عنوان یک کنشگر عامل نیز قطعاً تاثیر گذار بر ساختارهای دنیای جدید می باشد و «هویت» که از نظر گیدنز مفهومی است ساده و ارتباطات ساختارهای اجتماعی مدرنیته و «خود» شکل می گیرد چنانکه گیدنز، بیان می دارد "در جوامع معاصر در سراسر دنیا «خود» و هویت شخصی به طور روزافزون بازنمایی شده است، هویت شخصی در بازنمای مدرنیته



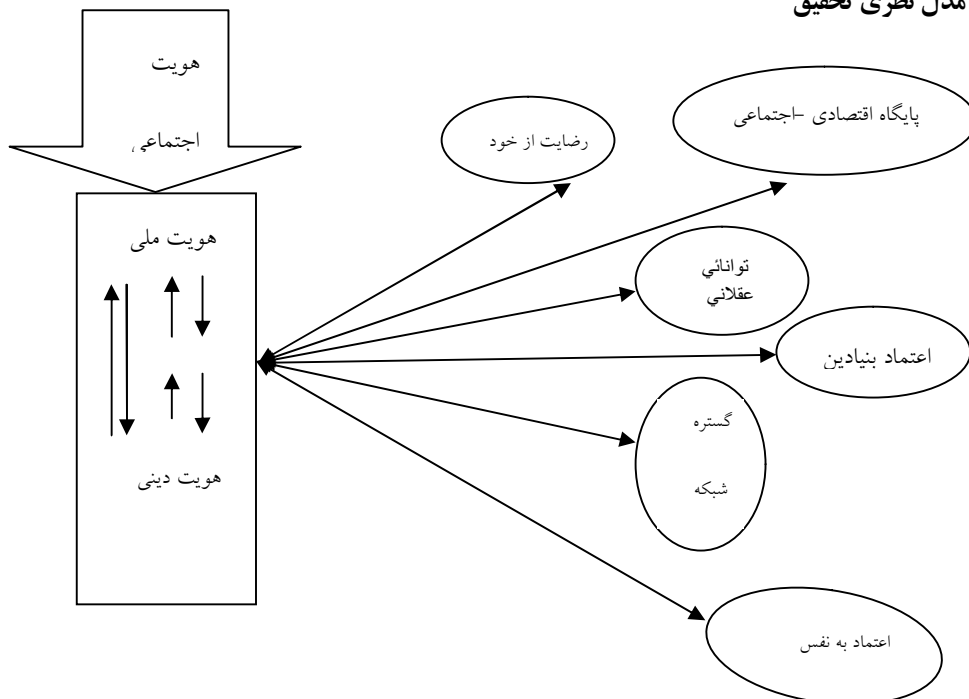
متاخر شرکت می کند و این وضعیت به سراسر دنیا تعمیم می یابد، در جوامع معاصر نمی توانید یک «خود» داشته باشید مگر آنکه به طور فعال تاحدی خودتان آن را بسازید" (گیدنز، ۱۳۷۹، صص ۱۰۱-۱۰۰).

گیدنز دنیای جدید را حاصل عقلانیت فراگیری می داند که موجبات ظهور دانش، علم و تکنولوژی را فراهم نموده است لیکن پیامدی دیگر نیز داشته و آن اضطراب و تشویش است چرا که دنیای نو، دنیای عدم قطعیت ها و دنیای انتخاب های متکثر است، دنیایی که لحظه لحظه در حال شدن است و نوبه نودر فراز و فرود دگرگونی است و در این شرایطی که تشویش و عدم اطمینان به اصول و مفاهیمی ثابت، هستی انسانها را در مدرنیته متاخر فرا گرفته، اعتماد که حاصل اطمینان است نقشی محوری و ویژه می یابد، به اعتقاد گیدنز "اعتماد نوعی پدیده عام و حیاتی در توسعه شخصیت انسان است از نظر او اعتماد در جلوه های عمومی خود، به طور مستقیم مرتبط با دستیابی به نوعی احساس امنیت وجودی است" (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۱۸). به باور گیدنز دردنیای پرتلاطم جدید اطمینان و وثوق به اشخاص صالح و معتبر می تواند همچون لنگرگاهی، نویدبخش احساس امنیت وجودی باشد که حاصل چنین اطمینانی را گیدنز «اعتماد بنیادین» می نامد و از آنجائیکه فرد انسانی با جامعه پیرامونی درکنش دائمی است و تعاملات پیوسته ای را به انجام می رساند ناگزیر است بر اساس این نوع از اعتماد و اطمینان به سایرین، خود را در معرض ارتباط اجتماعی با سایرین قرار دهد و گستره شبکه اجتماعی قابل قبولی را برای خود طراحی نماید. زیرا «اعتماد در یک سطح شخصی، تبدیل به طرحی می شود که طرفین باید روی آن کار کنند و مستلزم بازبودن فرد به روی دیگران است، در این جاست که اعتماد را باید جلب کرد و وسیله این کار نشان دادن محبت و سعه صدر است، علاقه خاص به داشتن «روابط» بیانگر همین پدیده است، جایی که اعتماد امری از پیش تعیین شده نیست بلکه باید روی آن کار کرد و این کار به معنای فراگرد متقابل خود واگشایی است» (گیدنز، ۱۳۸۴، صص ۱۴۵-۱۴۴).

لیکن وجه دیگر اعتماد، «اعتماد به نفس» است که حاصل اطمینان به خود است و این اطمینان در سایه «رضایت از خود» حاصل می گردد. گیدنز یکی از اجزای تعاملات اجتماعی که می تواند در این فرآیند ها تاثیرات قابل ملاحظه ای از خود بجای گذارد «بدن» می داند چرا که با ورود امروزه حرکات بدن، کنترل منظم بدن، نوع پوشش، نحوه آرایش و آراستن، حرکات و... تاثیر حائز اهمیتی در تعاملات اجتماعی دارد و افراد با کنترل و مدیریت بدن و پیکر جسمانی خویش گاهاً به تعریفهایی از خود دست می زنند «پیکر فقط نوعی موجودیت طبیعی نیست که مالکیت آن

رابطه ماتخصیص داده باشند، بدن نوعی دستگاه متحرک است، مجموعه ای از کنش ها و واکنش هاست و غوطه و رشدن عملی آن در کنش های متقابل زندگی روزمره یکی از ارکان عمده نگاهداشت و تحکیم مفهوم منسجم و یکپارچه ای از هویت شخصی است" (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴).

### مدل نظری تحقیق



### فرضیات تحقیق

- بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و هویت اجتماعی در ابعاد ملی، دینی و خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد
- بین توانایی عقلانی کردن امور و هویت اجتماعی در ابعاد ملی، دینی و خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد
- بین اعتماد بنیادین و هویت اجتماعی در ابعاد ملی، دینی و خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد
- بین اعتماد به نفس و هویت اجتماعی در ابعاد ملی، دینی و خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد
- بین رضایت از خود و هویت اجتماعی در ابعاد ملی، دینی و خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد

- بین گستره شبکه ارتباطی و هویت اجتماعی در ابعاد ملی، دینی و خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد
- بین هویت ملی و هویت دینی رابطه معناداری وجود دارد .
- بین هویت ملی و هویت خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد .
- بین هویت دینی و هویت خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد .
- بین متغیر های رضایت از خود ، توانایی عقلانی کردن امور ، اعتماد بنیادین ، گستره شبکه ارتباطی ، اعتماد به نفس ، هویت ملی ، هویت دینی و هویت خانوادگی در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد .

### روش شناسی تحقیق

#### جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش را جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر هشتگرد تشکیل داده اند. براساس سرشماری رسمی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ جمعیت شهر هشتگرد قریب به ۴۷۰۰۰ نفر می باشد که از این تعداد معادل ۱۶۷۰۰ نفر را جمعیت رده های سنی ۱۵ - ۲۹ سال تشکیل میدهد و با بهره گیری از فرمول شارپ - کوکران<sup>۱</sup> نسبت به احتساب تعداد ۳۷۶ نمونه با خطای ۵٪ اهتمام گردیده است

در این پژوهش از روش نمونه گیری سهمیه ای به نسبت ۵۰٪ مرد و ۵۰٪ زن در گروههای دسترس در محله های مختلف شهر هشتگرد و تقریباً به نسبت تراکم جمعیت در محلات مختلف بهره گیری شده تا حتی الامکان بتوانیم به یک نمونه قابل اعتماد نمایا از جمعیت جوان شهر هشتگرد دسترسی داشته باشیم.

در این پژوهش از تکنیک پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد است. در تجزیه و تحلیل داده ها در بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی از آماره های مربوط بهره گیری شد. از جمله جداول فراوانی و فراوانی نسبی در خصوص ویژگیهای جمعیتی پاسخگویان و سایر متغیرهای تحقیق و از ضریب همبستگی کندال تاو و ضریب اسپیرمن برای معنادار بودن رابطه بین متغیر ها استفاده شده است .

#### یافته های پژوهش

هر یک از متغیرهای تحقیق توسط گویه های مربوطه سنجیده شده و نمره مکتسبه توسط هر پاسخگو بر مبنای حداقل ۱ و حداکثر ۵ نمره در طیف لیکرت اعمال گردیده است و دررتبه بندی

پاسخگویان نیز نمره ۱ تا ۲/۲۵ حد پایین، ۲/۲۶ تا ۳/۷۵ در حد متوسط و بالاتراز ۳/۷۶ در حد بالا مد نظر قرار گرفته است

### آزمون فرضیات

در این تحقیق برای آزمون فرضیات از دو آماره غیر پارامتری کندال تائو و ضریب همبستگی اسپیرمن بهره‌گیری گردید که به ترتیب نتایج در ذیل آورده می‌شود و ضرایب همبستگی متغیرها در جدول شماره ۲ ذکر گردیده است.

- بین توانایی عقلانی کردن امور و هویت اجتماعی در ابعاد ملی، دینی و خانوادگی با ضریب اطمینان ۹۹٪ رابطه معناداری وجود دارد .

- بین متغیر اعتماد به نفس و هویت اجتماعی در ابعاد ملی، دینی و خانوادگی به ترتیب با ضریب اطمینان ۹۹٪، ۹۵٪ و ۹۹٪ رابطه موجود می‌باشد

- بین متغیرهای رضایت از خود و هویت اجتماعی در ابعاد ملی، دینی و خانوادگی به ترتیب با ضریب اطمینان ۹۹٪، ۹۵٪ و ۹۹٪ رابطه موجود می‌باشد .

- بین متغیرهای گستره شبکه ارتباطی و هویت ملی با ضریب اطمینان ۹۹٪ رابطه موجود می‌باشد

- بین هویت ملی و هویت دینی با ضریب اطمینان ۹۹٪ رابطه معناداری وجود دارد

- بین دو متغیر هویت ملی و هویت خانوادگی با ضریب اطمینان ۹۹٪ رابطه معناداری مشاهده گردید.

- بین دو متغیر هویت دینی و هویت خانوادگی با ضریب اطمینان ۹۹٪ رابطه معناداری وجود دارد

- بر اساس نتایج بدست آمده از تست مان وایت نی [۳] بهره‌گیری شد که متغیرهای رضایت از خود، اعتماد بنیادین و هویت دینی با توجه به سطح معناداری ۰/۰۱ و ۰/۰۵ در دو گروه زنان و مردان دارای تفاوت معناداری بودند و در ما بقی متغیرها تفاوت معناداری نشان داده نشد که طی

جدول شماره ۳ ارایه گردیده است.

۱۷ ..... بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر هویت اجتماعی جوانان

جدول شماره (۱) وضعیت متغیرهای تحقیق در جمعیت نمونه

متغیر	فراوانی نسبی (%)			فراوانی نسبی (%)		
	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن
رضایت از خود	پایین	۲/۱	۰/۵	۱/۳	۰/۵	۲/۱
	متوسط	۷۲/۹	۶۵/۲	۶۹/۱	۶۵/۲	۷۲/۹
	بالا	۲۵	۳۴/۲	۲۹/۶	۳۴/۲	۲۵
اعتماد به نفس	پایین	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۶
	متوسط	۵۷/۴	۴۷/۱	۵۲/۳	۴۷/۱	۵۳/۹
	بالا	۴۱	۵۱/۳	۴۶/۱	۵۱/۳	۴۱
اعتماد بنیادین	پایین	۵/۳	۳/۲	۴/۳	۳/۲	۴/۳
	متوسط	۸۹/۴	۸۵/۶	۸۷/۵	۸۵/۶	۹۱/۸
	بالا	۵/۳	۱۱/۲	۸/۲	۱۱/۲	۵/۳
توانایی عقلایی کردن امور	پایین	۰/۵	۰/۰	۰/۳	۰/۰	۰/۳
	متوسط	۵۵/۳	۵۵/۳	۵۵/۳	۵۵/۳	۵۵/۳
	بالا	۴۴/۱	۴۴/۷	۴۴/۴	۴۴/۷	۴۴/۱
گستره شبکه ارتباطی	پایین	۳/۷	۷/۵	۵/۶	۷/۵	۳/۷
	متوسط	۶۱	۵۹/۷	۶۰/۳	۵۹/۷	۶۶
	بالا	۳۵/۳	۳۲/۸	۳۴	۳۲/۸	۳۵/۳
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	پایین	۷۰	۶۴/۹	۶۷/۵	۶۴/۹	۶۷/۵
	متوسط	۲۵/۳	۳۲/۱	۲۸/۷	۳۲/۱	۲۵/۳
	بالا	۴/۷	۳	۳/۸	۳	۴/۷
هویت ملی	پایین	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵
	متوسط	۲۹/۴	۲۳/۵	۲۶/۵	۲۳/۵	۲۷
	بالا	۷۰/۱	۷۵/۹	۷۳	۷۵/۹	۷۰/۱
هویت دینی	پایین	۰/۰	۱/۱	۰/۵	۱/۱	۰/۵
	متوسط	۲۰/۵	۳۵/۱	۲۷/۸	۳۵/۱	۲۸/۴
	بالا	۷۹/۵	۶۳/۸	۷۱/۶	۶۳/۸	۷۹/۵
هویت خانوادگی	پایین	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	متوسط	۱۶/۵	۱۳/۴	۱۴/۹	۱۳/۴	۱۴/۹
	بالا	۸۳/۵	۸۶/۶	۸۵/۱	۸۶/۶	۸۳/۵

جدول شماره (۲) ضریب همبستگی متغیرها با یکدیگر

رضایت از خود	اعتماد به نفس	اعتماد بنیادین	اعتماد بنیادین	توانایی عقلانی کردن	گستره شبکه ارتباطی	پایگاه اجتماعی اقتصادی	هویت ملی	هویت دینی	هویت خانوادگی
۰/۱۴۱	۰/۲۰۳	-	۰/۱۹۸	۰/۱۶۰	-	۱	۰/۴۲۱	۰/۳۱۴	۰/۳۱۴
۰/۱۱۱	۰/۱۰۹	-	۰/۱۸۸	-	-	۱	۰/۴۲۱	۰/۳۱۴	۰/۲۸۹
۰/۱۵۰	۰/۱۶۷	-	۰/۲۴۴	-	-	۱	۰/۳۱۴	۰/۳۱۴	۱

جدول شماره (۳) نتایج آزمون مان وایت نی در گروه مردان و زنان

متغیر	جنس	تعداد	متوسط امتیاز	سطح معناداری
رضایت از خود	زن	۱۸۸	۱۷۷/۰۹	۰/۰۳۴
	مرد	۱۸۴	۱۹۶/۱۲	
اعتماد به نفس	زن	۱۸۸	۱۷۸/۴۵	۰/۰۰۵
	مرد	۱۸۷	۱۹۷/۶۰	
اعتماد بنیادین	زن	۱۸۸	۱۸۱/۴۰	۰/۰۲۷
	مرد	۱۸۸	۱۹۵/۶۰	
هویت دینی	زن	۱۸۵	۲۰۰/۲۱	۰/۰۰۱
	مرد	۱۸۵	۱۷۰/۷۹	

### بحث و نتیجه گیری

با سنجش متغیرهای تحقیق توسط گویه‌ها و شاخصهای مختلف و پردازش اطلاعات توسط آماره‌های مختلف توصیفی و استنباطی نتایج ذیل بدست آمد:

قریب به ۷۰٪ از جوانان در حد متوسط از خود رضایت دارند و این متغیر در گروه زنان و مردان تفاوت معناداری را از خود نشان داده بطوریکه مردان بیشتر از خود رضایت دارند این نکات بیان گر این مهم است که یا جوانان از ویژگی‌های اخلاقی و فیزیکی خود کاملاً آگاهند و فاصله خویش با تیپ ایده آل خویش را آگاهانه درک می‌کنند و این موضوع در جمعیت زنان روشن تر است لذا از خود رضایت قابل قبول و بالایی ندارند و یا از ویژگی‌های خویش آگاهی چندانی ندارند و از پتانسیل‌ها و توانهای موجود در خویش غافلند لذا با تیپ ایده آل خویش احساس فاصله و دوری می‌کنند که در هر دو شکل وظیفه‌نهادهای آموزشی و تربیتی رسالتی است سنگین

تا جمعیت جوان را با تواناییهای واقعی خویش آگاه و یا در اصلاح تیپ ایده آل جوانان اگر درست انتخاب نشده او را یاری دهند و رسانه ملی بعنوان دستگاه اطلاع رسانی ضرورت دارد با خانواده و والدین ارتباطی معقول برقرار کرده تا شرایط رشد و بالندگی جوانان در بستر خانواده نیز فراهم گردد چرا که رضایت از خود، بنیان متغیر اساسی اعتماد به نفس است که عملاً بدون آن انسان از هر گونه خلاقیت و زایش فکری و اجتماعی باز می ماند و این امر محقق نمی گردد مگر با تجدید نظر در نرم افزار آموزش، بازنگری در ساختارهای اجتماعی پرورش دهنده نسل جوان و دوری گزیدن از مدیریتهای اجتماعی یک سویه خطی که همواره جوانان باید شنونده و مجری باشند و هیچگونه مشارکتی در برنامه ریزیهای آموزشی و پرورشی خویش نداشته باشند و طبیعی است که این حد از رضایت از خود در شکل بسیار مطلوب و کارآمد بتواند در ۵۲٪ از جوانان اعتماد به نفس در حد متوسط و در ۴۶٪ اعتماد به نفس در حد بالا را موجب گردد و باز هم اعتماد به نفس در بین مردان و زنان تفاوت معناداری را داشته باشد و مردان از اعتماد بنفیس بیشتری برخوردار باشند که این تفاوت را نیز می توان به روشهای تربیتی فرزندان دختر و پسر در خانواده ها بر اساس کلیشه های ذهنی جنسیتی، نگاه نهادهای اجتماعی همچون آموزش و پرورش و دولت به دختران و زنان بر اساس فرهنگ عمومی مرد سالار، تجربه های اندک سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان در تاریخ ایران و ... ارجاع نمود.

اعتماد بنیادین دیگر متغیر تحقیق بوده که قریب به ۸۰٪ از افراد دارای حد متوسطی از آن بوده اند که به بیان دیگر ۸۰٪ از جوانان به بستگان درجه یک، بستگان درجه دو، دوستان و اشخاص متخصص و نهادی انتزاعی تخصصی اطمینانی در حد متوسط دارند که کاملاً قابل تأمل است و این اطمینان باز هم در جمعیت زنان کاهش می یابد و در جهانی که سرمایه اجتماعی، اعتماد و اطمینان به یکدیگر از اساسی ترین مؤلفه های توسعه آن است این شواهد، نوید بخش نخواهد بود و اطمینان چیزی نیست که هدیه داده شود و یا خریداری گردد بلکه همچون هویت برساختنی و سازه وارااست و در رابطه دو جانبه و براساس سوابق و تجربیات زندگی شکل می گیرد و همانگونه که شکل می گیرد قابل شکستن و تخریب نیز می باشد لذا کاهش آن نشان از دور شدن جامعه و افراد از اخلاق، راستی و درستی است و این مهم ترمیم و اصلاح شدنی نیست مگر در سایه دور شدن جامعه از رذایل اخلاقی از جمله؛ دروغ، تهمت، سوء استفاده های غیر اخلاقی، سوداگری های رایج

و پرهیز از تزویر و ریا در سایه ایجاد فضایی آزاد و امن برای عرضه واقعی فکر، اندیشه و شخصیت مطلوب اشخاص تا شرایط به گونه‌ای شود که سکه قلب خریدار نداشته باشد و افراد آنگونه که هستند خود را بنمایانند. و اما در خصوص توانایی عقلانی کردن امور نتایج حاکی از آن است که ۵۵٪ از جوانان اذعان داشتند که در حد متوسط از این توانایی برخوردارند و ۴۴٪ در حد بالا و تفاوت معناداری نیز بین گروه مردان و زنان مشهود نبوده است از آنجایی که تعقل و خرد ورزی، هسته مرکزی دنیای مدرن را شکل داده و مانع‌گزی به زندگی در این دنیا هستیم لذا نمی‌توانیم با پشت کردن به عقل و خرد به دنیای مدرن بی‌اعتنا باشیم لاجرم ضرورت دارد تمامی نهادهای اجتماعی و افراد در پرورش این موهبت خدادادی اهتمام نمایند و بر نهادهایی همچون آموزش و پرورش، دین، دولت و خانواده است که اگر در پرورش تفکر و خردورزی گامی عمده بر نمی‌دارند لااقل از ترویج آموزه‌های عقل‌ستیز و خرد‌گریز اجتناب نمایند.

امروزه دنیا بر مدار نرم افزار اندیشه مدیریت می‌شود و تولید اندیشه بعنوان شاخصی عمده در تعیین جایگاه ملتها نقش آفرینی می‌کند و اندیشه جز با فراهم نمودن بسترهای لازم و آزاد به بار نمی‌نشیند و تعقل آنجا بیشتر جایگاه خود را باز می‌یابد که بعنوان پدیده‌ای منفرد نگریده نشود بلکه متغیری همبسته با سایر متغیرها و شئون زندگی انسان باشد.

وضعیت متغیرهایی که تاکنون به آنها اشاره شد می‌تواند زمینه‌ساز این مهم باشد که ۶۰٪ از جمعیت جوان، گستره شبکه ارتباطی خویش را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند چرا که در زمینه‌هایی اجتماعی که رضایت از خود، اعتماد بنفس، اعتماد بنیادین و توانایی عقلانی کردن امور، عموماً در حد متوسطی قرار داشته باشد نمی‌توان توقع داشت ارتباطات اجتماعی در عموم آن جامعه در حد بالایی قرار گیرد و افراد ارتباطات خویش را با سایرین در محیط‌های زندگی از جمله با بستگان، دوستان و... براساس اطمینان به آنها، اعتماد به خویش و تمام مدیریت این روابط در شرایط عادی و بحران‌ها تنظیم می‌نمایند.

در بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان که نشان از جایگاه ایشان در نظام اجتماعی موجود دارد نتایج حاکی از آن است که بر اساس شاخص‌هایی همچون تحصیلات والدین، شغل والدین، درآمد ماهیانه خانواده و وضعیت مسکن، قریب به ۷۰٪ از جوانان در جامعه مورد مطالعه در رده پایین قرار می‌گیرند که ابتدا این مهم برای برنامه‌ریزان محلی و منطقه‌ای باید مد نظر و توجه



کافی قرار داشته باشد و از سویی نشان از این دارد که در قشر فرودست جامعه، متغیرهای تحقیق آن گونه که بازگو گردید خودنمایی می کنند و اگر شرایط تحصیلی والدین، وضعیت شغل والدین و سایر شاخصها و مؤلفه های تأثیرگذار در پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان تغییر نماید باید انتظار تغییر در سایر متغیرها را نیز داشت

در ادامه تحلیلی خواهیم داشت بر سه بعد از هویت اجتماعی؛ هویت ملی، دینی و خانوادگی جوانان:

- ۷۳٪ از جوانان دارای هویت ملی در حد بالا و ۲۶/۵٪ در حد متوسط بوده اند از آنجا که در جهان جهانی شده امروز جوامع بدون اتکا به هویت ملی خویش چندان موفق به نقش آفرینی و بازستاندن سهم خویش از جهان نخواهند بود و این موضوع ارتباط وثیقی با امنیت ملی دولت - ملتها پیدا کرده است هر چند رقم ۷۳٪ که نشان از هویت بالای ملی در جوانان دارد امیدوارکننده است لیکن اکتفا کردن به یک حدی تعریف شده از این متغیر در تدوین راهبردهای کلان ملی می تواند راه به خطا ببرد و ضرورت بازاندیشی و واکاوی علل ۲۶/۵ درصدی حد متوسط از هویت ملی در بین جوانان نیز احساس می گردد اما نکته مهمتر اینکه فرآیند معناسازی بر اساس داشته های فرهنگی و اجتماعی است اما این داشته ها و ثروت ها می تواند دردو شکل بروز نماید یکی به صورت سرمایه ای راکد که صرفاً ما به آن تعلق خاطر داریم و آن را میراث خود می دانیم و نوعی دیگر سرمایه ای در حال گردش، زایش و بازتولید مستمر که در جهان امروز، نوع دوم است که به نیازهای جوامع پاسخ می دهد.

نتایج این پژوهش در راستای بررسی هویت ملی توانست حد بالایی از علاقه افراد به ایران و ایرانی بودن و احساس هویت مشترک ملی را نشان دهد. اما علاقه افراد با آنچه اتفاق می افتد گاهاً متعارض است و این وظیفه که خواست عمومی در جهت تقویت ضرورت های ملی باید در حوزه اجرانیز فرامی گردد وظیفه نهادهای اجتماعی چون نهاد آموزش، نهاد خانواده، نهاد سیاست و... است که جوان ما با تاریخ ملی خود آشنا شود و آگاهانه حتی با نقدبر گذشته به آن تعلق خاطر داشته باشد و یا گاهاً اقداماتی از سوی متولیان امر صورت می گیرد که موجبات مخدوش شدن ملیت ایرانی می گردد غافل از اینکه جوانان بر ملیت خویش مفتخر است و چنین اقداماتی حکایت بر شاخه نشستن و بن بریدن است، ملت ایران و جوانان آن به عنوان مثال نوروز را مظهر و نماد سرزندگی و نشاط و حیات

دوباره هستی می‌دانند و به آن احساس تعلق دارند و کسانی که در جهت خلاف این رودخانه خروشان شنا می‌کنند جز آسیب به این بن‌مایه‌های ملی و خودشان چیزی دیگر نصیب نمی‌برند، جوانان امروز را باور بر این است که تاریخ گذشته تمدن ساز ایران، امروز نیز می‌تواند کارکرد داشته باشد لذا مخدوش نمودن آن، سیاه‌نمایی مطلق آن و مشحون از ظلم و جنایت نشان دادن آن در اذهان چیزی مطلوب عاید این کشور نخواهد کرد لذا بر تمامی نهادهای اجتماعی از آموزش و پرورش، خانواده، رسانه، دولت و... وظیفه است که در جهت انسجام ملی و تقویت بن‌مایه‌های استوار تاریخی آن دقت نماییم و از حرکت‌های آگاهانه یا گاه‌آگاهانه‌ای که موجبات افتراق ملی را فراهم می‌نمایند پرهیز نماییم.

- ۷۱/۶ درصد از جوانان در حد بالائی از هویت دینی قرار داشته‌اند و جمعیت زنان نسبت به مردان از تعلق خاطر بیشتر برخوردار بوده‌اند و به «خود تعریف» دینی خویش وابسته تر هستند لیکن علیرغم اختلاف وضعیت دو گروه می‌توان اذعان کرد که وضعیت هویت دینی در مجموع در بین جوانان از حد و اندازه قابل قبولی برخوردار است لیکن با توجه به جایگاه تعلق خاطر به دین مبین اسلام در کشور ماشایسته است بررسی‌های بیشتری در خصوص علت احساس متوسط هویت دینی در بخش ۳۵ درصدی مردان و ۲۰ درصدی زنان انجام گیرد تا علل آن شناخته و در جهت از بین بردن علل کاهش هویت دینی در آینده قدم برداشت اما آمار به دست آمده نشان از وضعیت‌های دیگری نیز دارد و آن اینکه علیرغم خوشحالی یک‌عده‌ای مبنی بر دور شدن نسل جوان از تعلقات دینی و کاهش احساس تعلق دینی ایشان و از سویی نگرانی عده‌ای دیگر به ویژه قشریون از اضمحلال تعلق دینی جوانان، آمار مذکور نشان می‌دهد جوانان ماهمچنان به اسلام خویش، به مراسمات مذهبی و عبادات و اعتقادات دینی خود تعلق دارند و ضرورت دارد حرکت‌های گاه‌آگاهی آنها را در یک حوزه دیگر مورد بررسی قرار داد و شاید بتوان بعنوان رفتاری اعتراضی به عدم پذیرش کلیشه‌های از پیش تعیین شده از سوی برنامه ریزان یا خانواده‌ها بدون اعمال سلیقه و ذائقه جوانان و مشارکت دادن آنها که گاه کارکردهای خویش را نیز از دست داده‌اند به مطالعه آن پرداخت و لازم است متولیان امر از جمله نهادهای مرتبط همچون نهاد آموزش و پرورش، خانواده، دولت و گروه اجتماعی مبلغان دینی و روحانیان با دوری گزیدن از تفکرات قشری صرف و پرداختن به لب‌کلام وحی و رسول مرسل بر محورهای دینی و جذب بیشتر جوانان عزیز اهتمام نمایند و از این

سرمایه فرهنگی - اجتماعی که علیرغم حجمه های بی امان رسانه های جهانی همچنان زنده و پویا است به نحو احسن بهره گیری نمایند زیرا دنیای امروز دنیای اندیشه، خلاقیت و پیشرفتهای عینی است و در شرایطی که انسانها بویژه جوانان در پی راهکارهایی برای توانمند سازی خویش در حوزه علم، بهره مندی از تکنولوژی، نقش آفرینی عینی در بخش های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جهان پیرامونی خویش هستند و دانائی نرم افزار محوری توسعه پایدار در جهان نوین معرفی شده است، ترویج خواب و خیال، بسط شهوذهای غیرموقت، گسترش ارتباطات ساختگی با قدسیان بنام دین خداوندی و عملاً بازگشت به دوران پیشا روشنگری نمی تواند پاسخگوی نسل جوان باشد

- قراردادن ۸۵/۱٪ از افراد در رتبه بالایی از هویت خانوادگی و از سویی صفر بودن حد پایین هویت خانوادگی نویدبخش این نکته است که همچنان علیرغم امکانهای مختلف در دنیای نو، جوانان خانواده رابه عنوان لنگرگاهی مطمئن می شناسند و تعلق خاطر به این نهاد بی بدیل اجتماعی آنها را می تواند در برابر موجهای سهمگین بیرونی محافظت نماید و این امر نشان از نقش و وظیفه سنگین والدین و اعضای خانواده دارد تا با ارتباط اصولی و منطقی از این سرمایه موجود به نحو مطلوب بهره گیری نماید تا جوانان را برای تعاملات اجتماعی آتی آماده و مهیا نماید.

و در پایان لازم به ذکر است که هویت دینی و ملی با ضریب ۰/۴۲۱ و هویت ملی و خانوادگی با ضریب ۰/۳۱۴ و هویت دینی و خانوادگی با ضریب ۰/۲۸۹ با یکدیگر همبسته می باشند آنچه روشن است متغیرهای هویت ملی، هویت دینی و هویت خانوادگی از ضرایب همبستگی قابل اعتنایی برخوردار می باشند که به عنوان ابعاد مختلف هویت اجتماعی تغییر دریکی می تواند تغییرات قابل ملاحظه ای در سایرین به وجود آورد لذا آنان که بر حذف یک بعد از هویت، هویت ملی یا دینی پرداخته و به ظن خود به بعد دیگر خدمت می نمایند باید به این مهم توجه لازم راداشته باشند که نتایج حاصله به صراحت نشانگر این مهم است که جوانان، ایرانی مسلمان اند و لطمه به اسلام و هویت دینی، همان لطمه به ایران است و لطمه به ایران و هویت ملی همان لطمه به اسلام و هویت دینی است و هویت خانوادگی اشخاص نیز به شکل معناداری با این دو بعد از هویت همبسته و مرتبط است لذا بر متولیان امور است که بانگاهی جامع بر تقویت هویت اجتماعی در تمامی ابعاد آن پردازند

اگر نهادهای اجتماعی و اشخاص در تعاملی دو جانبه بتوانند در ویژگی‌های فردی افراد جامعه همچون اعتماد به نفس، رضایت از خود، توانایی عقلانی کردن امور و ... رشدی مثبت ایجاد نمایند ما حاصل آن ارتقاء احساس هویت اجتماعی در ابعاد ملی، دینی و خانوادگی خواهد بود و اگر سیاست‌گذاران اجتماعی و سیاسی بتوانند احساس هویت ملی، دینی و خانوادگی را با برنامه‌های تدوین شده در اشخاص افزایش دهند بطور بازتابی، نتیجه آن ارتقاء متغیرهای اعتماد به نفس، رضایت از خود، توانایی عقلانی کردن امور و ... خواهد بود و این دیالکتیک پیوسته برقرار است و اگر هر یک از این متغیرها سیر نزولی داشته باشد در این تاثیر و تاثر دو جانبه و همبسته سایر متغیرها نیز سیر قهقهرایی در پیش خواهند گرفت.

#### پی‌نوشت‌ها

[1] Stets & Burke  
[2] Tony Yu

[3] mann-whitney test  
[4] NGO

#### منابع

- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۹). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). **هویت اجتماعی**. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه، چاپ اول
- دلفانی، مریم (۱۳۸۴). **مطالعه و بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان شهر بابل**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی،
- دوران، بهزاد و محسنی، منوچهر (۱۳۸۲). "هویت؛ رویکردها و نظریه‌ها". **مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی**. مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان، شماره اول
- دورکیم، امیل (۱۳۸۴). **درباره تقسیم کار اجتماعی**. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز،
- روشه، گی (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز**. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تیان، چاپ اول
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). **عصر اطلاعات ج ۲**. تهران: انتشارات طرح نو، چاپ پنجم
- کرایب، یان (۱۳۸۵). **نظریه اجتماعی مدرن**. ترجمه عباس مخبر، تهران: موسسه انتشارات آگه، چاپ سوم
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۹). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی،
- گیدنز، آنتونی "الف" (۱۳۸۴). **چشم اندازهای جهانی شدن**. ترجمه محمد رضا جلالی پور، تهران: انتشارات طرح نو
- گیدنز، آنتونی "ب" (۱۳۸۳). **تجدد و شخص**. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، چاپ سوم

گیدنز، آنتونی "ج" (۱۳۷۹). **جهان رها شده**. ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: انتشارات علم و ادب، چاپ اول

گیدنز، آنتونی "د". **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۴،

Fukai, Miyuki (2001). "Applicability of Tajfel's social Identity Theory", [www.columbia.edu](http://www.columbia.edu), December 13,

Reed, Mark B. & Others (2007) "The relationship between social Identity, normative information, and college student drinking", *social in fluence*, 2(4), [www.Informaworld.com](http://www.Informaworld.com)

Stets, Jan E. & Burke, Peter J. "Identity Theory and social identity theory", <http://wat2146.ucr.edu/papers/00a.pdf>

Tony yu, Fu-lai & Man Kwan, Diana sze (2008) "Social Consciousness", *Social Identities*, [www.Informaworld.com](http://www.Informaworld.com)